بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مفاهیم 2](#_Toc428565467)

[مرور گذشته 2](#_Toc428565468)

[وجه سوم: نظر مرحوم اصفهانی 2](#_Toc428565469)

[اشکال به نظر مرحوم اصفهانی 3](#_Toc428565470)

[وجه چهارم: نظر شهید صدر (ره) 3](#_Toc428565471)

[اشکال به نظر شهید صدر (ره) 3](#_Toc428565472)

[اشکال اول: 3](#_Toc428565473)

[جواب اشکال اول: 4](#_Toc428565474)

[اشکال دوم: 4](#_Toc428565475)

[جمع‌بندی 4](#_Toc428565476)

[نکته اول: تکیه مفهوم بر لفظ 4](#_Toc428565477)

[نکته دوم: 5](#_Toc428565478)

[نکته سوم: 5](#_Toc428565479)

[معنای مفهوم 5](#_Toc428565480)

# مفاهیم

# مرور گذشته

بحث ما در مورد مفاهیم است. بحث ما در مقدمات ورود مفاهیم بود. چند بحث مهم در مورد مقدمه عرض کردیم. علی‌الخصوص انواع دلالت،‌دلالت التزامی را بررسی کردیم. با توجه به مباحث سؤال این بود که مسئله‌ی مفاهیم که بحث مستقلی است دارای چه ویژگی‌هایی است؟ ویژگی ذاتی مفاهیم که باعث جداسازی مفاهیم از دیگر واژه‌ها شده است، چیست؟ این سؤال، ثمره‌ی فقهی ندارد ولی مباحث تحلیلی است. این مباحث تحلیلی منشأ اثر عملی است. ازاین‌رو است که به‌سادگی نمی‌توانیم از تحلیل‌‌ها گذر کنیم. در این قسمت وجه مرحوم نائینی و مرحوم آخوند را موردبررسی قرار دادیم.

همان‌طور که عرض کردیم، در حقیقت مفهوم چند نظریه‌ی وجود دارد. یک نظریه مرحوم نائینی و دیگری مرحوم آخوند بود. دو نظریه‌ی دیگر وجود دارد:

## وجه سوم: نظر مرحوم اصفهانی

این نظر مرحوم اصفهانی در تعلیقه‌ کفایه است. ایشان می‌فرمایند: انفهام (مفهومیت و مفهوم شدن معنا) از لفظ گاهی مصرح مطابقی است، گاهی نیز مصرح نیست. اگر مصرح نباشد، مفهوم دو قسم است:

1. در منطوق عرض نشده است. مثلاً وقتی شارع می‌گوید نماز واجب است، اشاره‌ای به وجوب مقدمه ندارد. (این وجه نیز مقصود نیست)

2. در منطوق عرض شده است. ارتباط شرط و جزا به شکلی اخذ شده است که مفهوم به دست می‌آید.

به عبارت روشن‌تر باید بگویید، مفهوم شدن یک معنا از لفظ سه قسم است:

1. مفهومیتی که در خطاب نیست و عقل آن را می‌فهمد. (این از لفظ خارج است و از ملازمه‌ی عقلی متوجه می‌شویم.)

2. مفهومیتی که از لفظ به‌صورت مطابقی ناشی می‌شود. لفظ این مفهوم را کاملاً افاده می‌کند.

3. مفهومیت معنا از لفظ که مستقیم نیست ولی مأخوذ در منطوق است. یعنی لفظ ناظر بر این مفهوم است.

### اشکال به نظر مرحوم اصفهانی

این نظر محل اشکال است. مفهومیتی که در منطوق اخذ شده است، بخشی از دلالات سیاقیه و اشارات را نیز می‌گیرد. درنتیجه نمی‌توانیم بگوییم این مانع اغیار است.

اشکال دیگر نیز این است که شاید در شمول نیز اشکال بشود. اگر می‌گوییم مفهوم وصف یا شرط،‌همیشه این‌چنین نیست که همیشه مدلول لفظی است. بعضی از استدلالاتی که برای مفهوم شرط شده است، کاملاً‌ عقلی است. نمی‌توانیم بگوییم این معنایی است که مفهوم شده است و مفهومیت در لفظ اخذ شده است. درنتیجه این نیز نمی‌تواند تمام مبانی را پوشش بدهد.

## وجه چهارم: نظر شهید صدر (ره)

مرحوم شهید صدر (ره)، نظریات قبلی را نقد و بررسی می‌کنند و درنهایت نظر چهارم را می‌فرمایند: مدلول التزامی یک لفظ دو قسم است:

1. گاهی مدلول جزئی از لفظ است. یک مفهوم تصوری است.

2. مدلول التزامی مدلول ربط بین دو جزء قضیه است.

ایشان می‌فرمایند مفهوم همان قسم دوم است. اگر دلیلی بگوید آب مطهر است. مدلول التزامی می‌گوید که خود آب،‌طاهر است. این مفهوم نیست. ولی اگر بگوید «اذا خفی الاذان فقصر» این مفهوم لازم ارتباط بین شرط و جزا است.

ایشان می‌گوید جنس تعریف مفهوم،‌مدلول التزامی است. منتها مدلول التزامی دو قسم است: گاهی مدلول التزامی یک جزء است و گاهی مدلول ربط بین دو جزء است. مقصود نیز همین قسم دوم است.

### اشکال به نظر شهید صدر (ره)

آیت‌الله شاهرودی به این نظر اشکالاتی گرفته‌اند:

#### اشکال اول:

این نظر فقط مفهوم مخالف را شامل می‌شود و مفهوم موافق را شامل نمی‌شود. البته این اشکال را شهید صدر قبول کرده‌اند. مثلاً وقتی‌که می‌گوید اف بر پدر و مادر نگو، دلالت می‌شود که نباید پدر و مادر را بزنید. نزدن را از ارتباط بین جزئین استدلال نکرده‌ایم بلکه از خود کلام این امر ناشی می‌شود. اما به‌هرحال چیزی که اصولیون می‌گویند، شامل مفهوم موافقه و فحوا نیز می‌شود. درحالی‌که دلالت شهید صدر این مطلب را دربر نمی‌گیرد. این اشکال عدم‌جامعیت است.

#### جواب اشکال اول:

شاید بتوانیم این اشکال را به شکلی جواب بدهیم. در جمله‌ لا تقل لهما اف، ما از ارتباط حکم و موضوع، فحوا را متوجه می‌شویم. اگر نهی بر این نیامده بود و امر آمده بود، این فحوا استفاده نمی‌شد. درنتیجه از ارتباط حکم و موضوع مفهوم موافقه را می‌گیریم.

البته این جواب تام نیست.

#### اشکال دوم:

این تعریف شاید در مفاهیم مخالف، شمول نداشته باشد. مثلاً در مفهوم عدد.

در مفهوم عدد می‌گفتیم که شاید عدد، موضوعیتی داشته باشد. به حیث اینکه از غیر عدد، حکم را نفی می‌کند. در آنجا بحث ارتباط بین جزئین نیست که بگوییم مفهوم ساز است. در آنجا خود عدد می‌گوید که اگر این نباشد، حکم نیست. ارتباط دو جزء در اینجا مفهوم ساز نشده است.

با اشکالات متوجه می‌شویم که جامعیت این نظر محل اشکال است.

## جمع‌بندی

در تمایز مفاهیم با مدلولات التزامی و الفاظ، چهار نظر وجود داشت. به هرکدام از این نظرها ایراداتی گرفته شده است.

البته باید بگوییم که نظر مرحوم صاحب الکفایه را باید جدی بگیریم. تحقیق در مسئله این است که چند نکته در کنار هم، مفهوم را از سایر مدلول‌ها جدا می‌کند.

### نکته اول: تکیه مفهوم بر لفظ

مفهوم، مدلول التزامی است. اعم از اینکه لازم لفظی و عقلی باشد. حتی اگر مدلول عقلی باشد،‌پایه‌ی استدلال عقلی باید چیزی باشد که در لفظ باشد.

بنابراین نکته‌ی اول این است که مفهوم چیزی است که بنا بر دلالت التزامی از لفظ استخراج می‌شود، یا اینکه اگر از حکم عقلی برای استدلال آن استفاده می‌کنیم، باید حکم عقلی، پایه‌ی لفظی داشته باشد. درنتیجه مفهوم تکیه بر لفظ دارد.

### نکته دوم:

مفهوم مدلول لازم معنا است. مفهوم مدلول ملزوم معنا نیست.

اگر دلیل بگوید آب مطهر است، می‌گوییم این مطهریت نمی‌شود، مگر اینکه طاهر باشد. منتها طاهریت لازم وصف مطهریت نیست. بلکه ملزوم و علت است. رتبه‌ی قبل از آن است. اگر مدلول التزامی از نوع علت چیزی بود که در دلیل آمده بود، جزء مفاهیم نیست. در مفهوم مدالیل التزامی که متأخر از حکم است،مدنظر ماست.

### نکته سوم:

این نکته صاحب الکفایه است. مفهوم همیشه مدلول لازم دومرحله‌ای است. در جمله‌ی شرطیه این‌چنین است. مثلاً وقتی‌که می‌گوید: «اذا خفی الاذان فقصر». ظاهر مدلول مطابقی این جمله این است که وقتی خفای اذان شد، وجوب قصر می‌آید. اما همزمان نکته‌ی دیگری در اینجا وجود دارد و آن این است که این دو به هم چسبیده هستند. از به هم چسبیدگی و تلازم همیشگی این دو، نتیجه‌ می‌گیریم در صورت نبود هرکدام، دیگری نیز وجود ندارد.

حتی در مفهوم موافقه و فحوا نیز چنین است. وقتی شارع می‌گوید «لا تقلهما اف». ما از این جمله منتقل می‌شویم که «لاتضربهما». ما از مستقیم از جمله اول به دوم نمی‌رسیم. ما از جمله اول، منتقل به خصوصیت می‌شویم. از خصوصیت به جمله دوم می‌رسیم.

ما تنقیح مناط را نیز از مفاهیم می‌دانیم. مفهوم جایی است که دولایه‌ای باشد.

اگر بخواهیم جامع‌تر بیان کنیم، باید عرض کنم:

مدالیل غیر مطابقی، (التزامی و عقلی) دو قسم هستند: یک مرحله‌ای و دومرحله‌ای.

مفهوم، همان دومرحله‌ای است. این دو مرحله‌ای‌ها نیز گاهی لازم معنا جزء مقدمات و در سلسله علل حکم هستند که مفهوم نیستند. گاهی در سلسله معلول حکم است مثل مفهوم موافقه و شرط.

### معنای مفهوم

مفهوم یعنی مدلول غیر مطابقی (اعم از لفظی التزامی یا عقلی) که ریشه در لفظ دارد. دومرحله‌ای است و جزء مدالیل رتبه‌ی علل حکم نیست.